

زیبندگی تن و جان به دانش

پیام اداری هفته

هفته نامه الکترونیک کلامی از جادوی مدیریت



شنبه (۹۵/۱/۲۱)

سه شنبه

جمعه (۹۵/۱/۲۲)

شماره پیام: ۱۷۸

سال چهارم - سری ث

کد پیام: ۱۸/ث

تن مرده و جان نادان یکی است

ز دانش میفکن دل اندر گمان
خرد را همان بر سر افسر کنید
اگر جان همی خواهی افروختن
بمیرد تش، نام هرگز نمرود
نگر تا نگردی به گرد دروغ
همه زندگانش آسان بود
به از خاموشی هیچ پیرایه نیست
بر همه کاریش توانائی است
شاخ بی برگ، دل بگیراند
جمله عالم صورت و جان است علم
بر سپهر او برد روانت را
سر بی علم، بدگمان باشد

(فردوسی)

(نظامی)

(سنایی)

(مولانا)

(اوحدی)

زدانش به اندر جهان پیچ نیست

میاسای ز آموختن یک زمان
به دانش روان را توانگر کنید
زمانی میاسای ز آموختن
مر آن را که دانش بود توشه بُرد
به دانش بود جان و دل با فروغ
چو دانش تنش را نگهبان بود
زدانش چو جان تو را مایه نیست
هر که در او جوهر دانائی است
جان بی علم، تن بمیراند
خاتم ملک سلیمان است علم
علم بال است مرغ جانت را
علم، دل را بجای جان باشد